

کاشی‌های شیشه‌ای در قصرهای عباسی، تنگ آبگینه تهران و کف آب‌گونه کاخ حضرت سلیمان^۱

مارکوس ریتر*

ترجمهٔ مریم حیدرخانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۷

چکیده

این پژوهش، گزارشی مقدماتی از شناسایی بزرگترین مجموعهٔ شناخته‌شده از قطعات کاشی شیشه‌ای شفاف عباسی به کار رفته در تنگی در تهران است. این مقاله، شواهد باستان‌شناختی کف‌سازی با استفاده از قطعات شیشه‌ای شفاف سبز-آبی به کار رفته در قصرهای عباسی را بررسی و تالو آب‌گونهٔ آنها را اشاره‌ای به اتاق پذیرایی مشهور کاخ حضرت سلیمان تفسیر می‌کند. این مقاله روشن می‌کند که تنگ نگهداری‌شده در موزهٔ آبگینه و سفالینه‌های ایران که با شیشه‌های رومی مقایسه و به دوره‌های پارتی و ساسانی منتسب شده است، التقاطی مدرن و ساخته شده از قطعات کوچک کاشی‌های شیشه‌ای کف‌سازی دورهٔ عباسی است. این پژوهش دربارهٔ پیشینهٔ این تنگ و چگونگی ساخته‌شدن آن از تکه‌هایی از کاشی‌های شیشه‌ای عباسی بحث می‌کند که زمانی دلالتی ضمنی به شکوه حضرت سلیمان داشت و با انجام جعلی‌سازی‌ای ماهرانه، به ظرفی الگوبرداری‌شده از بطری‌های رومی بدل شد؛ سپس برای بازارهای حراج عتیقه به‌عنوان شیئی متعلق به هنر ایران معرفی شد و از موزهٔ آبگینه و سفالینه‌های ایران سردرآورد.

کلیدواژه‌ها:

شیشه در معماری، معماری عباسیان، شیشه پیش از اسلام، سلیمان در هنرهای اسلامی، تاریخ‌نگاری هنر ایرانی.

صناعات
هنرهای ایران

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷

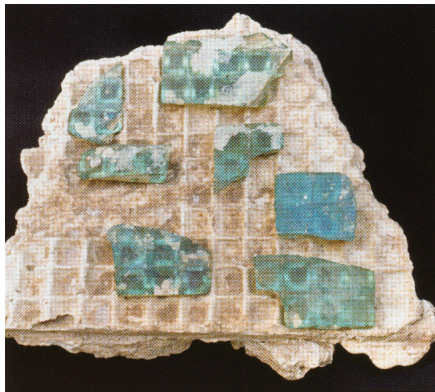
(صفحات ۹۳ تا ۱۱۰) ۹۳

* استاد تاریخ هنر اسلامی، گروه تاریخ هنر، دانشگاه وین. پست الکترونیک: markus.ritter@univie.ac.at

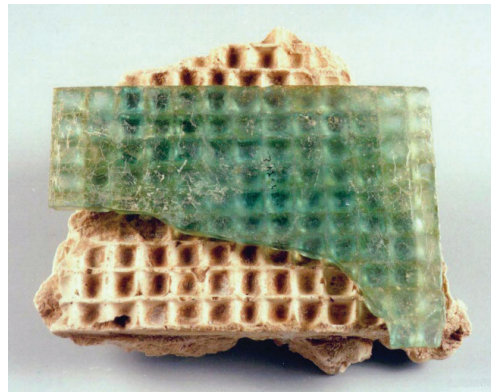
۱. مقدمه

استفاده از کاشی‌های شیشه‌ای شفاف (تصاویر ۱-۳) در کف‌سازی‌ها و دیوارهای ابنیه عباسی، هنگام کاوش قصرهای رقه در سوریه در دهه ۱۳۴۰ ه.ش. / ۱۹۵۰ م. کشف شد. این بناها به حدود سال ۱۸۵ ه.ق. تاریخ‌گذاری شده‌اند. استفاده از کاشی‌های شیشه‌ای شفاف در اتاقی خاص در بخش دیوانی یک قصر، چنانکه در ادامه مطرح می‌شود، قابل بازسازی است. تأثیر بصری کاشی‌های شیشه‌ای که تالو آنها یادآور آب یا استخر آب است، می‌تواند اشاره‌ای به کف مشهور آب‌گونه کاخ حضرت سلیمان باشد که در ادامه، درباره آن بحث می‌کنیم. کاشی‌های شیشه‌ای را فقط عده محدودی از متخصصان می‌شناسند. فقط ۲۴ قطعه^۲ در گزارش کاوش‌ها ثبت شده است و قطعه‌های محدود مشابهی از دیگر قصرها در سوریه و عراق یا در مجموعه‌های موزه‌ای (تصاویر ۴ و ۵) با آنها قابل مقایسه است. کشف بزرگترین مجموعه جهان از قطعات کاشی شیشه‌ای عباسی - ده برابر قطعات شناخته‌شده از کاوش‌ها - در مکانی غیرمنتظره و با شیوه‌ای گیج‌کننده، یک شگفتی محض است. تنگ شیشه‌ای چهارگوش با گردن و دهانه‌ای گرد در موزه آگینه و سفالینه‌های ایران در تهران (با شماره اموال ۶۲۳-آ) به دوره‌های پارتیان - ساسانیان (قرون دوم تا سوم پیش از میلاد) در شمال غرب ایران نسبت داده شده است (تصویر ۷)؛ در حالی که بررسی دقیق نشان می‌دهد که تنگ تهران، شیء سرهم‌بندی شده جدیدی از تعداد زیادی قطعه کوچک از کاشی‌های شیشه‌ای عباسی و قطعه‌ای رومی برای گردن است (تصویر ۱۵).

این مقاله، تنگ تهران را با کاشی‌های شیشه‌ای عباسی به‌دست‌آمده در سوریه و عراق پیوند می‌دهد و نتایج مقدماتی اولین بررسی علمی این تنگ را ارائه می‌کند؛ گونه‌های مختلف قطعات کاشی شیشه‌ای به کار رفته در تنگ را توضیح می‌دهد که می‌تواند تفاوت در تولید آنها را نشان دهد و مشوقی برای بررسی‌های تحلیلی بیشتر باشد. همچنین درباره دگرگونی تاریخ تنگ به مثابه شیئی سرهم‌شده بحث می‌کند که ساخته شده تا گمراه‌کننده باشد؛ چرا که در عین پیروی از مدل‌های رومی، شیئی متعلق به هنر ایرانی تلقی شده است. در ابتدا، شواهد باستان‌شناسی کاشی‌های شیشه‌ای عباسی را بر اساس بررسی عمیق و بحث تطبیقی یافته‌ها در رقه معرفی می‌کنیم (Ritter 2018).



تصویر ۲: قطعه‌های کوچک کاشی‌های شیشه‌ای، سطح رویی، نشان‌داده بر زیرسازی گچی کف‌سازی اتاق شماره ۹ در قصر ب در رقه. دمشق، موزه ملی (Becker 2014; DAI/A Abdel Ghafour, 1992).



تصویر ۱: کاشی شیشه‌ای، قطعه‌ای چهارگوش قرارگرفته بر زیرسازی گچی کف‌سازی «اتاق شیشه‌ای» (اتاق شماره ۹ در قصر ب در رقه). دمشق، موزه ملی (موزه بدون مرز).

۲. کاشی‌های شیشه‌ای در رقه

در میان قطعه‌هایی از کاشی‌های شیشه‌ای شفاف که در سایت‌های عباسی در میان‌رودان و حواشی آن در سوریه و عراق پیدا شده، قطعه‌های به‌دست‌آمده از قصرهای رقه با بیشترین اطمینان، مکان‌گذاری و تاریخ‌گذاری شده‌اند (Siegel 2017; Creswell and Allan 1989, 270-275). قصر ب (تصویر ۶) را باستان‌شناسان سوری

در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۱ ه.ش. / ۱۹۵۰-۱۹۵۲ م. کاوش کردند (عبدالحق، [صلیبی] ۱۹۵۱؛ Saliby 1954, 2004). باقی‌مانده زیرسازی‌های کف و دیوارها در محل، به همراه قطعه‌هایی از کاشی‌های شیشه‌ای (تصاویر ۱ و ۲) پیدا شد. این «اتاق شیشه‌ای» در بخش دیوانی ساختمان، درست پیش از سرسرای اصلی واقع شده بود. این قطعه‌ها، هم‌اکنون در موزه ملی دمشق نگهداری می‌شوند (al-Ush, Joundi, Zouhdi 1969, 175 fig. 79; al-Ush, Joundi, Zouhdi 1980, 161 fig. 32; Cat. Damascus 1952, 24; Cat. Damascus 1964, 22 no. 187). نویسندگان گونه‌ها به اختصار و در بعضی موارد با توضیحات نادرست درباره اندازه و تکنیک آنها، به این قطعات اشاره کرده‌اند (Abdul-Hak 1958, 89; Kohlmeyer, Strommenger 1982, 276 [Meinecke]; Meinecke 1996, 170-171; Dreßen, Minkenber, Oellers 2003, 161-162 [Kröger]; Carboni 2003, 128; Baker 2004, 5-6; Baker 2005, 168 fig. 1; Saldern 2004, 497; Barry 2007, 639; Becker 2010, 41; Becker 2014, 147; Saba 2014, 229-230; Whitehouse 2014, 229-230). در حالی که این آثار تا همین اواخر به درستی بررسی نشده بودند (Ritter 2018).

زیرسازی بسیار سخت، گچی و تقریباً سفیدرنگ، مربعی با تقسیمات منظم مربع‌شکل، با فرورفتگی‌های گرد و لبه‌های تیز را نشان می‌دهد که با لبه‌هایی تیز شکل‌گرفته‌اند (تصاویر ۱ و ۲). این ردها بر اثر برآمدگی‌های سطح زیرین کاشی‌های شیشه‌ای ایجاد شده‌اند که بر گچ نرم فشرده شده‌اند. زیرسازی مشابهی در تنها بخش پایینی باقی‌مانده یک دیوار هم مشاهده شده است. کاشی شیشه‌ای کاملی یافت نشده اما قطعه‌هایی زاویه‌دار (تصویر ۱) و الگوی رد آنها بر زیرسازی، امکان بازسازی یک قطع یکسان مستطیل شکل کاشی (۱۶/۴ * ۱۱/۶ سانتی‌متر) را می‌دهد. سطح رویی و قابل مشاهده کاشی‌ها صاف و هموار است. سطح زیرین، شبکه‌ای مربعی از ۱۳ * ۱۰ برآمدگی نیم‌کره‌ای (۱۳-۱۲ * ۱۱-۱۲ میلی‌متر) دارد که با درزهایی عمیق از هم جدا شده‌اند (تصاویر ۱-۳). تعداد کمی قطعه کاشی بزرگ پیدا شده است، اغلب آنها شامل تکه‌های کوچک شکسته‌ای هستند که در طول خطوط شبکه برآمدگی‌شان در بخش زیرین شکسته شده‌اند. قطعه‌ها، چنان که در عکس، روی قطعه زیرسازی گچی نشان داده شده، با اندازه‌ای در بازه بین یک تا چهار برآمدگی در یک ردیف، تکه‌های برآمدگی مربع‌شکل با ابعاد ۲ در ۲ و تکه‌هایی زاویه‌دار هستند (تصویر ۲). افزون بر این، در تصویر، تفاوت تهرنگ در محدوده‌ای به رنگ آب با سایه‌های آبی و سبز تا فیروزه‌ای در تکه‌های مختلف نشان داده شده است. ظاهراً بناهای بیشتری در رقه «اتاق شیشه‌ای» داشته‌اند، اما شواهد درباره آنها چندان روشن نیست (Ritter 2019, 229-230). در سال ۱۳۷۲ ه.ش. / ۱۹۹۳ م. موزه هنر اسلامی برلین، قطعه‌ای شیشه‌ای را از یک حراجی اشیای هنری به‌دست آورد (با شماره اموال I. 1994.1) که با عنوان «رومی» آگهی شده بود، اما از هر جهت با خصوصیات قطعه‌های کاشی شیشه‌ای پیدا شده در رقه همسان است (تصویر ۳) (Ritter 2018, catalog [6]; Becker 2010, 41 fig. 7). Cat. (Paris 1993, 31, 43 object 210).

۳. قطعه‌های کاشی شیشه‌ای در سوریه و عراق

قطعه‌های کاشی شیشه‌ای مشابه رقه، تاکنون شناخته شده یا از برخی سایت‌های دیگر عباسی و یا از حراجی‌های اشیای هنری به‌دست آمده‌اند. یک قطعه هم ظاهراً از بخش عباسی سایت قصر الحیر الشرقي در سوریه کاوش شده است (Salam-Liebich 1978, 139-140; Ritter 2018). چندین قطعه با ظاهری مشابه اما با برآمدگی‌های زerkوب را باید از سایرین متمایز کرد و آنها را نوع دیگری از تزئینات به حساب آورد (Ritter 2019, 231-232).

در شهر مسکونی سامرا که در سال ۲۲۱ ه.ق. / ۸۳۶ م.، یک نسل بعد از رقه، در کنار رود دجله در عراق بنا نهاده شده بود، قطعه‌ای در کاوش‌های ارنست هرتسفلد^۴ در سال ۱۲۹۲ ه.ش. / ۱۹۱۳ م. در قصر خلیفه پیدا شد. این قطعه که فقط از طرح‌های دستی او شناخته شده است، در مطالعه کارل جان لم^۵ درباره شیشه‌های پیدا شده در سامرا، دوباره

منتشر شده است (تصویر ۴) و محل نگهداری فعلی آن روشن نیست (بنا بر گفته لم، این قطعه به بریتیش میوزیوم لندن منتقل شده است). هیچ پژوهشگری این قطعه را به عنوان بخشی از کاشی‌های شیشه‌ای برای کف‌سازی شناسایی نکرده است (Saba 2014, 115; cf. Lamm 1928, 116, 118, no. 338, fig. 66; cf. Saba 2014, 115). لم، رنگ آن را «سبز فیروزه‌ای» نامیده است. این طرح، قطعه‌ای مربع (به ضخامت ۱۱ میلی‌متر) با ردیف سه در سه از برآمدگی کمی کشیده (۱۳-۱۵ * ۱۱-۱۲ میلی‌متر) را نشان می‌دهد.

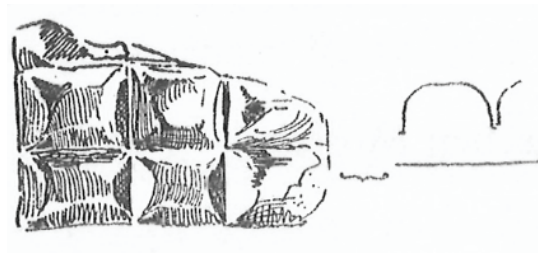
موزه هنر اسلامی دوحه در سال ۱۳۸۱ ه.ش. / ۲۰۰۲ م. از حراجی اشیای هنری، قطعه‌ای (با شماره اموال GL. 135.2003) به دست آورد که بدون مستندات یا زمینه باستان‌شناسی گفته می‌شود از سامرا به دست آمده است (تصویر ۵). این قطعه (با ضخامت ۱۱ میلی‌متر) که در همه وجوه شکستگی دارد، از شیشه سبز-آبی شفاف با چهار برآمدگی تشکیل شده است. یک سطح آن صاف و هموار و برآمدگی‌ها بر سطح دیگر، مستطیلی و بالشتکی شکل با درزهایی مسطح بین برآمدگی‌ها است. مقداری از مواد سفید رنگ درون درزها ممکن است باقی‌مانده زیرسازی گچی باشد. شباهت شکل برآمدگی‌ها به طرح قطعه‌ای که هر تسفلد پیدا کرده بود، می‌تواند تناسب آن به سامرا را تأیید کند. هر دو قطعه منسوب به سامرا، در شکل بالشتکی برآمدگی‌ها و شبکه مسطح درزها با قطعه‌های پیدا شده در قصر الحیر الشرقي رقه با برآمدگی‌های کروی و درزهای عمیق متفاوت‌اند. به نظر می‌رسد این تفاوت نشان‌دهنده تفاوت در تولید آنها و یا ناشی از تفاوت زمانی و جغرافیایی بین سوریه و عراق، دو شهر مسکونی عباسی است.



تصویر ۳: قطعه کاشی شیشه‌ای با دو گوشه، سطح زیرین، منسوب به رقه، برلین، موزه هنر اسلامی. (شماره اموال (I. 1994.1) (Ritter, 2018).



تصویر ۵: قطعه کاشی شیشه‌ای منسوب به سامرا، سطح زیرین. دوحه، موزه هنر اسلامی. شماره اموال GL 135.2003. (Ritter, 2019).

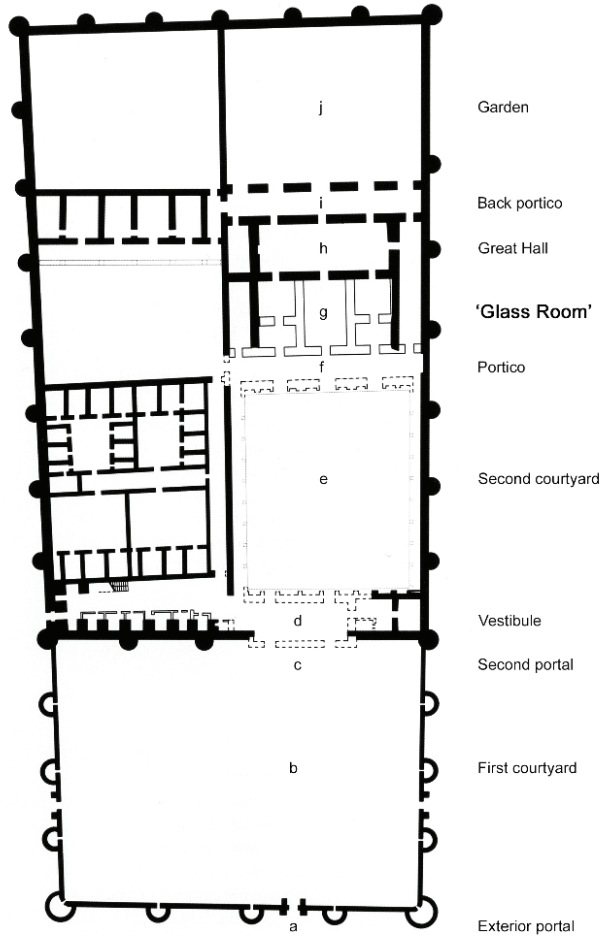


تصویر ۴: طراحی هر تسفلد از قطعه کاشی شیشه‌ای، سطح زیرین و مقطع، کشف شده در قصر خلیفه در سامرا. محل کنونی نامعلوم (Lamm 1928, fig. 66).

۴. مشکل شواهد پنهان و ایران

نمونه سامرا نشان می‌دهد شواهدی از قطعات کاشی‌های شیشه‌ای و زیرسازی‌های گچی با اثر کاشی بر روی آنها، که پیش‌تر شرح داده شد، ممکن بود در یک کاوش باستان‌شناسی یافت شود بدون آنکه رابطه‌اش با کف شیشه‌ای تشخیص داده شود. اگر باستان‌شناس، احتمال وجود یک کف شیشه‌ای را در نظر نگیرد، تکه‌های کوچک به‌راحتی می‌توانند با چیز دیگری اشتباه گرفته شوند. از این‌رو، احتمالاً کاوش‌های بیشتری، چه قدیمی و چه جدید، وجود دارند که بررسی مدارک آنها، شاید چنین شواهد پنهانی را نشان دهد. با این وجود، اگر مدارک این کاوش‌ها به‌طور کامل منتشر نشده باشد، چنین بررسی‌ای، دشوار و تقریباً ناممکن خواهد بود.

غیر قابل تصور نیست که کاشی‌های کف شیشه‌ای نیز همانند دیگر تکنیک‌های تزئینی عصر، در شرق قلمرو عباسیان از جمله ایران که در دوره هارون الرشید و خلفای اولیه عباسی، بخش مهمی از خلافت را تشکیل می‌داد، مورد استفاده قرار می‌گرفتند، یا به آن منتقل شده بودند. در حالیکه سرزمین‌های عربی در غرب، توسط امین، پسر هارون اداره می‌شدند، حکومت شرق در دست پسر دیگرش، مأمون بود که در مرو خراسان، در ترکمنستان امروزی، اقامت داشت. خاندان برمکی که در اداره خلافت نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، متعلق به بلخ خراسان، در افغانستان امروزی بودند. هارون، خود در سال ۱۹۳ ه.ق. / ۸۰۹ م. در سنا‌باز در نزدیکی طوس درگذشت و در



0 10 50 100 m

تصویر ع: رقه، قصر ب، پلان و موقعیت «اتاق شیشه‌ای» (اتاق شماره ۹ در نقشه اصلی کاوش) در دنباله فضایی بخش دیوانی (ترسیم از Siegel 2017, fig. 7 ; عناوین از Ritter, 2019).

قصر یا باغ قصری در آنجا به خاک سپرده شد. بنا بر روایتی تاریخی، قبه‌ای در آنجا ساخته شد و بعدها علی بن موسی الرضا(ع)، امام هشتم شیعیان در همان محل به خاک سپرده شد که پس از آن، به‌عنوان مشهد شناخته شد و امروزه، مرکز آرامگاه امام رضا(ع) را شکل می‌دهد (Leisten 1998, 257).

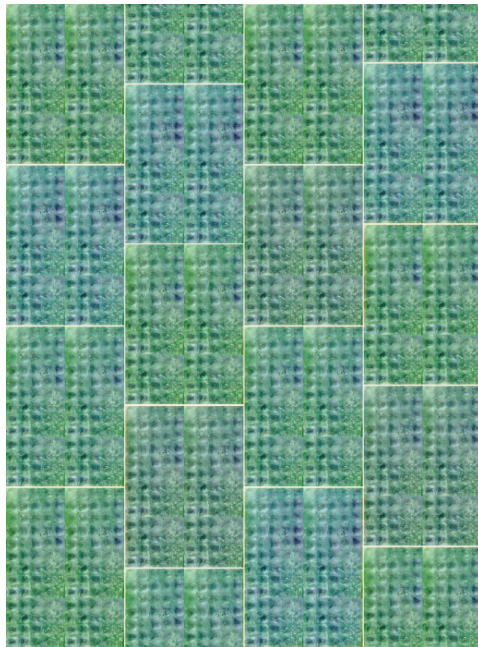
تاکنون هیچ شاهد باستان‌شناسی، یعنی کاشی شیشه‌ای یا زیرسازی گچی با اثر کاشی، از شهرهای مهم خلافت عباسی در شرق، مانند ری، نیشابور یا مرو، شناخته نشده است. عدم وجود شواهد باستان‌شناسی، می‌تواند این واقعیت ساده را نشان دهد که در این شهرها تاکنون هیچ کاخ عباسی‌ای به‌طور مشخص شناسایی نشده است. با این وجود، این امکان وجود دارد که، همانند سامرا، چنین شواهدی در هنگام کاوش، مرتبط با کف در نظر گرفته نشده باشند. در نتیجه، با توجه به شواهد امروز، استفاده از کاشی‌های کف در کاخ‌های عباسی، مختص به میان‌رودان، شام، سوریه و عراق باقی می‌ماند.

۵. ارجاع به کاخ حضرت سلیمان: «اتاق شیشه‌ای» در قصر ب در رقه

تأثیر بصری کف‌سازی سبز-آبی در قصر ب، که ممکن است تا پایین دیوارها ادامه داشته است، باید بسیار باشکوه بوده باشد (تصویر ۷). برآمدگی‌ها در سطح زیرین نه فقط کاشی‌ها را بر زیرسازی ثابت می‌کند، بلکه در سطح رویی، اثری بصری از خطوط و قطرات ایجاد می‌کند. از آنجا که ضخامت کاشی‌های شیشه‌ای در برآمدگی‌های کروی و درزهای بین آنها متفاوت است، شدت و طیف رنگ شیشه در کنار لایه سفید زیرین متفاوت است. این تفاوت را می‌توان از ظاهر قطعه‌های کاشی شیشه‌ای فرار گرفته بر بقایای لایه زیرین استنباط کرد (تصاویر ۱ و ۲). تفاوت تهرنگ کاشی‌ها، تغییر نور و چشم‌انداز آنها احتمالاً شبیه تفاوت‌جزئی در قطعه‌های چوب‌فرش است. زیبایی این کاشی‌ها با آب تشدید می‌شود، و تغییر چشم‌انداز آنها در کنار غنا و تنوع رنگ، حسی از ناپایداری را ایجاد می‌کند.

این «اتاق شیشه‌ای» جزئی از صحنه معماری و روان‌شناسی معماری است که برای تأثیر و حتی غلبه بر بازدیدکنندگان و ایجاد حس فرمان‌برداری از میزبان، صاحب و حامی بنا در آنان طراحی شده است. در تحلیل فضایی، این اتاق پذیرایی با کف‌سازی شیشه‌ای، نقطه اوج توالی محوری هفت فضا است که نیازمند پیمایشی بیش از ۱۰۰ متر است (تصویر ۶). در نهایت، بازدیدکنندگان قدم بر اتاقی با کف‌سازی شیشه‌ای (۱۲/۵ * ۷/۵ متر) می‌گذاشتند که لازم بود هنگام پذیرش در سرسرای گسترده مرکزی (۲۳/۶ * ۸/۷ متر) از آن عبور کنند. کف و نمای دیوار شیشه‌ای صیقلی، باشکوه و هموار به رنگ سرد، حظی زیبایی‌شناسانه و آسایشی جسمانی فراهم می‌کرد؛ که می‌توانست حس از پای درآمدن، قرنطینه‌شدن و نگرانی را برانگیزد.

چنین اتاق پوشیده از شیشه‌ای که شبیه آب به نظر می‌رسد، ماهیتاً می‌تواند اشاره‌ای به کاخ حضرت سلیمان تلقی شود. در قرآن، ویژگی اصلی این کاخ اتاقی است که با «قواریر» فرش شده است، ماده‌ای که به طور لفظی با معانی مختلفی چون «متبلور شده» یا «منجمد» یا هم‌چون «شیشه» و «بلورین» تفسیر شده است؛ ماده‌ای که بینندگان را فریب می‌دهد به طوری که تصور کنند در آب یا استخر آب، قدم می‌گذارند و این موضوع در نقطه اوج داستان حضرت سلیمان در دیدار ملکه صبا ذکر شده است (۲۷: ۲۲-۲۴). ملکه صبا در ورود به اتاق پذیرایی، به خیال دیدن آب، لباسش را بالا می‌گیرد و هنگامی که سلیمان او را از فریب‌خوردگی‌اش آگاه می‌کند؛ ملکه صبا به او و به دین اسلام تسلیم می‌شود (۲۷: ۴۴).^۶



تصویر ۷: کف‌سازی شیشه‌ای. بازنمایی دیجیتال یک بخش کوچک. یک بخش کاشی شیشه‌ای بازسازی‌شده به صورت کاشی کامل که در طرح راسته نما تکرار شده است، همراه اتصالات، همان‌طور که در زیرسازی اتاق ۹ در قصر ب دیده شده است (Ritter, 2018).

متون بعدی، از قرون دوم تا چهارم ه.ق. / هشتم تا دوازدهم م. جزئیات بیشتری دارند و برخی از آنها، به صراحت، ماده کف را «شیشه» تفسیر می‌کنند. بنابراین، «اتاق شیشه‌ای»، مانند آنچه در قصر ب است، می‌تواند خلیفه یا حکمران صاحب یا حامی بنا را با سلیمان مرتبط کند؛ با قدرت گسترده و مشروعیت مذهبی و پادشاهی عالمگیر او، همچنین حکمرانی بر انسان‌ها، حیوانات و جنیان. جنیان او در مقام استادکاران و صنعت‌گرانی بودند که هر کار هنری و ساختمانی که او نیاز داشت، شامل قصر و اتاق شیشه‌ای، تولید می‌کردند (Ritter 2018, section 4؛ برای توضیح بیشتر رجوع کنید به: Grabar 1978, 129; Gonzalez 2001, 26-41; Baker 2004, 5-6; Becker 2010, 41; Saba 2014, 229-230).

۶. تنگ موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران در تهران

تنگ شیشه‌ای (تصویر ۸) در بین اشیایی بوده است که برای موزه جدید آبگینه و سفالینه‌های ایران در تهران گردآوری شده بودند؛ موزه‌ای که به تاریخ شیشه و سرامیک در ایران اختصاص یافته بود و فرح دیبا آن را تأسیس کرد (۱۳۱۷ ه.ش. / ۱۹۳۸ م.). این موزه در باغ و ویلای تاریخی، خصوصی و فاخری برپا شد که در آغاز در حدود سال ۱۲۹۱ ه.ش. احمد قوام‌السلطنه (۱۲۵۲-۱۳۳۴ ه.ش. / ۱۸۳۷-۱۹۵۵ م.) سیاست‌مدار و نخست‌وزیر، آن را سفارش داده بود و بعد برای چند سال، سفارت مصر در آن مستقر بود (حاجی قاسمی ۱۳۸۳، ۸۸-۹۷ و ۲۰۴-۲۱۲). در سال ۱۳۵۵ ه.ش. / ۱۹۷۶ م. «دفتر مخصوص» دیبا آن را خرید و در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ ه.ش. / ۱۹۷۷-۱۹۷۸ م. معمار اتریشی، هانس هولاین^۷ (۱۳۱۳-۱۳۹۳ ه.ش. / ۱۹۳۴-۲۰۱۴ م.) آن را با طراحی تحسین‌شده داخل بنا و نمایش اشیاء، به موزه فعلی تبدیل کرد. این موزه بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۹ ه.ش. / ۱۹۸۰ م. بازگشایی شد (Hollein 1980; Anon. 1980).

هنگامی که پروژه برنامه‌ریزی شد، بیشتر اشیاء برای موزه تازه، از حراجی اشیای هنری به‌دست آمد (مصاحبه با سعید گلکار، مدیر اسبق موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران از زمان تأسیس، گفت‌وگو با نویسنده، ۱۸ فروردین و ۲ خرداد ۱۳۹۷؛ همچنین رجوع کنید به Diba Forthcoming). طبق «دفتر خریدهای سال ۱۳۵۷ موزه»، تنگ شیشه‌ای در تاریخ ۱۳۵۷/۴/۱۳ از فردی به نام آقای جلیلیان فرد خریداری شده است. از او در جایگاه صنعت‌گری برای تعمیر شیشه‌های قدیمی و دلال عتیقه در تهران یاد می‌شود (مصاحبه با سعید گلکار، مدیر اسبق موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران). این تنگ، هنگامی خریداری شد که پروژه موزه، شناخته شده و رو به اتمام بود. تنگ با مبلغ ۲۰۰.۰۰۰ ریال خریداری شد که تقریباً معادل ۲۹۰۰ دلار آمریکا در آن زمان بود و در حال حاضر حدود ۱۱.۴۰۰ دلار آمریکا است؛ چنین قیمتی برای یک شیء تاریخی شیشه‌ای شرقی، قابل‌ملاحظه است. این تنگ با شماره ۶۲۳- آ ثبت شده است که حرف آن به ماده آبگینه اشاره می‌کند. کارت شناسنامه فنی اشیاء در موزه، این اثر را به «سوریه؟» و «روم؟» با علامت سؤال و تاریخ آن را به «همزمان با دوره اشکانی» نسبت می‌دهد.

تنگ شیشه‌ای در مکانی منحصربه‌فرد در نمایشگاه دائمی، تالار بلور، نمایش داده شد؛ که در آن اشیایی به صورت جداگانه در قاب‌های شیشه‌ای نصب‌شده بر ستون‌هایی سیاه نمایش داده می‌شد و فضایی تأثیر برانگیز ایجاد می‌کرد (Hollein 1980, 96, 98; Anon. 1980, 376 fig. 5). این تنگ به صورتی چشمگیر، درست در سمت چپ ورودی اتاق در یکی از ستون‌ها با قاب شیشه‌ای نمایش داده شده بود (Shams 2017, image 3; Anon. 2016-17, 3-4). در به‌روزرسانی نمایشگاه دائمی در تابستان ۱۳۹۷، تنگ به مخزن منتقل شد (گفت‌وگوی زهره محمدیان با نویسنده، ۴ اسفند ۱۳۹۷ و نامه الکترونیکی ۱۲ اسفند ۱۳۹۷).

برخلاف محل چشمگیر اختصاص داده شده به تنگ، به نظر نمی‌رسد تا همین اواخر که در کاتالوگ نمایشگاه «۷۰۰ سال هنر ایرانی» در سال ۱۳۷۹ ه.ش. / ۲۰۰۰ م. منتشر شد؛ در هیچ یک از نشریات علمی پیش از آن منتشر شده باشد. این نمایشگاه در وین گشوده شد و بعد راهی دیگر شهرهای اروپایی شد (Seipel and Alram 2000, 260-261 no. 150). کاتالوگ، عکس رنگی بزرگ و توصیف و بحثی درباره تنگ از پژوهشگر ایتالیایی ماریا مدالنا نگر و پنزی^۸ (۱۳۹۱-۱۳۱۹ ه.ش. / ۱۹۴۰-۲۰۱۲ م.) ارائه می‌کرد. پنزی، متخصص هنر رومی و باستان متأخر و

همچنین شیشه‌های ساسانی و پارسی ایران بود (به‌عنوان نمونه رجوع شود به: Negro Ponzi 2005). او شکل چهار وجهی را با تنگ‌های رومی قرون دوم و سوم میلادی و دهانه‌ استوانه‌ای با لبه کلفت بیرون‌زده را با دهانه‌ تنگ‌های چهار وجهی پیداشده در گورها در کریمه و منسوب به قرون اول و دوم میلادی مقایسه کرده است. متن او، تزئینات برآمدگی‌های شیشه‌ای وجوه و دسته را هم‌چون «پوشش» و «مرصع خمیرشیشه» توصیف می‌کند و تنگ را با تزئینات الحاقی فرض می‌کند. او متذکر شده که این نوع از تزئینات برآمده، همتایی در هیچ‌یک از اشیاء شناخته شده در کاتالوگ موزه‌ها یا نشریات علمی نداشته است. متن او، تنگ را به هنر قرون دوم و سوم میلادی در آذربایجان و شمال غربی ایران منسوب می‌کند. او چنین گمانه‌زنی می‌کند که «تنگ تهران می‌تواند مربوط به اوایل ساسانی یا اواخر پارسی و تلاشی برای تقلید از اشیاء گران‌بهای آسیای شرقی باشد؛ وقتی که پارتیان، بعد از قرن دوم میلادی، در تماس با محصولات صادراتی و مجلل چینی قرار گرفتند» (Seipel and Alram 2000, 261). به نظر نمی‌رسد که نگرو پنزی به‌شخصه و با جزئیات، تنگ را بررسی کرده باشد؛ چرا که متن او در ذکر ویژگی‌های مهم فیزیکی متعددی ناکام است که حاکی از تاریخ‌گذاری، خاستگاه و پیشینه‌ای کاملاً متفاوت است.

اکسل فن زالدرن^۹ در کتاب راهنمای مهم‌اش درباره‌ شیشه‌های باستانی، توصیف نگرو پنزی به‌عنوان تزئینات

الحاقی را می‌پذیرد و آن را «جوشنی» از سنگ‌های شیشه‌ای مربع و گرد شده در سطح و مرتب شده در ردیف‌های منظم» ذکر کرده است. او با مقایسه تنگ با تنگ‌های رنگارنگ رومی، بر منحصر به فرد بودن این تزئینات تأکید کرده است. همچنین به شباهت آنها به یافته‌های رقه توجه کرده در حالیکه به اشتباه، آنها را نوعی «موزاییک» تشخیص داده است (Saldern 2004, 497).



تصویر ۸: تنگ با تزئینات برآمده، منسوب به دوره پارسی- ساسانی و شمال ایران تا حال حاضر و اکنون شناخته‌شده به‌عنوان شیء سرهم‌بندی شده از قطعات کاشی شیشه‌ای عباسی. تهران، موزه آگینه و سفالینه‌های ایران (شماره ۶۲۳- آ) وجوه یک و دو (Seipel and Alram 2000, 261).

صناعات
همراه ایران

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷

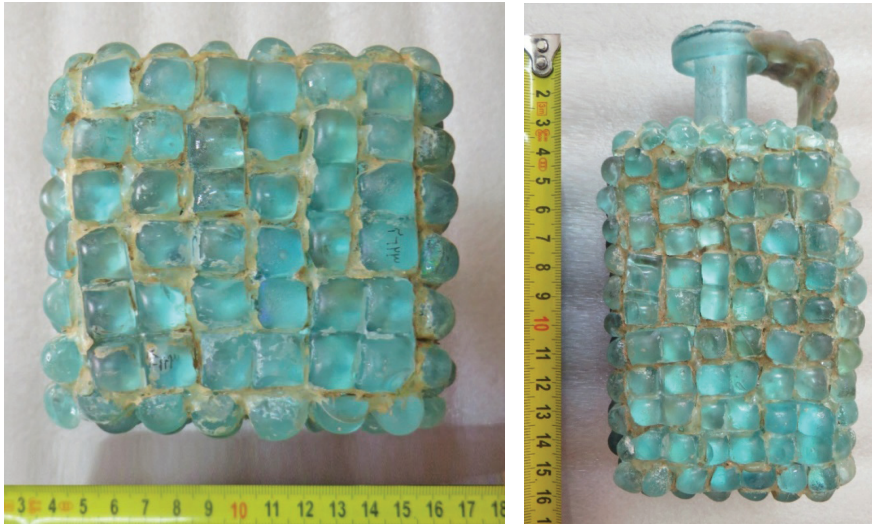
۷. تنگ سرهم‌شده از قطعات کاشی شیشه‌ای متعدد و قطعه گردن

زمانی که برای نخستین بار در سال ۱۳۹۷ (۵-۶ اسفند) تنگ را در موزه تهران بررسی کردم، همان‌طور که در ترسیم‌های تصویر ۱۵ نشان داده شده، روشن شد که تنگ از تعداد زیادی تکه‌های شیشه‌ای کوچک و یک قطعه گردن دهانه‌دار ساخته شده است. برجستگی‌های متراکمی از برآمدگی‌ها، کل سطح تنگ را پوشانده‌اند. این تنگ (با ارتفاع کلی ۱۸ سانتی‌متر)، بدنه‌ای مربعی (با ارتفاع ۱۴/۳ سانتی‌متر و عرض جانبی ۹/۱-۹/۵ سانتی‌متر) و گردنی استوانه‌ای با دهانه‌ای گرد (با ارتفاع ۵ سانتی‌متر و قطر لبه ۴/۲ سانتی‌متر و گشودگی ۱/۸ سانتی‌متر) دارد. یک دسته پهن زاویه‌دار (با عرض ۳/۷ سانتی‌متر) به دهانه و بالای بدنه متصل شده است. طرح‌های تصویر ۱۵ و گزارش پیش رو، بر اساس تحلیل بصری دقیق خود تنگ با کمک ذره‌بین است که سپس در تصاویر دیجیتال مجدداً بررسی شده است. تحلیل فنی می‌تواند حکم تأیید باشد اما مشاهده بصری، مزیت در نظر گرفتن و قضاوت بر اساس معیارهای مختلف در آن واحد را دارد؛ که نه فقط متوجه بندهاست بلکه متوجه تفاوت‌ها و اشتراکات در شکل و اندازه برآمدگی‌ها، تغییر در شبکه و موقعیت آنها، همچنین ظاهر شیشه، مواد و سطح و رنگ آن نیز هست.

تکه‌های شیشه‌ای که خارج بدنه و دسته را شکل داده‌اند، شامل برآمدگی‌های نیم‌کروی در شبکه مربعی منظمی از درزها است که جبهه پشتی صافی دارند. بیشتر تکه‌ها تنها یک برآمدگی دارند، اما تکه‌های بزرگ‌تری با دو تا شش برآمدگی در یک ردیف، با اشکال مربعی، مستطیلی، و زاویه‌دار نیز وجود دارند (تصاویر ۱۵ و ۱۶). جبهه صاف را می‌توان در پشت دسته (تصویر ۹) و زمانی که از داخل دهانه دقت شود، در درون تنگ مشاهده کرد. بنابراین، علی‌رغم توصیف نگر و پنزی و زالدرن، این تنگ، جبهه‌های ساده با تزئینات الحاقی ندارد؛ بلکه از اتصال تعداد زیادی تکه شیشه‌ای برآمده کوچک ساخته شده است. در بندها، بعضی جاها به وضوح می‌توان ماده شفاف و گاهی زردرنگ، چسب را مشاهده کرد (تصاویر ۱۱، ۱۳ و ۱۴). در جاهایی که احتمالاً چسب نداشته یا افتاده است، بعضی بندهای ناهموار، باز مانده‌اند. از درون این شکاف‌ها می‌توان داخل تنگ را دید که نبود یک بدنه ساده زیر تکه‌های برآمده را ثابت می‌کند. وقتی در برابر نور از درون دهانه به سمت کف تنگ نگاه کنیم، هر تکه شیشه‌ای، شفاف و به رنگ آب است؛ این در حالی است که بندهای چسبیده، خطوط ضخیم تیره‌ای را در اطراف تکه‌ها شکل می‌دهند.

این تکه‌های شیشه‌ای که در یک سطح، صاف و هموار و در سطح دیگر دارای برآمدگی و مربوط به دوره‌ای تاریخی غیر از دوره ظرف هستند، از هر جهت با قطعات کاشی‌های شیشه‌ای عباسی پیدا شده در کاوش‌ها، قابل مقایسه هستند. این تکه‌ها در تنگ، وارونه یا پشت و رو استفاده شده است. برآمدگی‌هایی که بیرون تنگ را شکل می‌دهند، قسمت زیرین یک کاشی و جبهه صاف داخلی تنگ، سطح روی کاشی بوده‌اند. از نظر شکل و اندازه برآمدگی‌ها، درزها، و شبکه مربعی، این تکه‌ها بیشتر شبیه آثار یافت‌شده در رقه و قصر الحیر در سوریه است تا آنها که مربوط به سامراست. اگر بتوان قطعات تنگ را بر سطح زمین پهن کرد، می‌تواند سطحی تقریباً معادل سه کاشی کامل در اندازه بازسازی‌شده در رقه را پوشش دهند (۳۸۰ تکه برآمده در تنگ و ۱۳۰ تکه در یک کاشی).

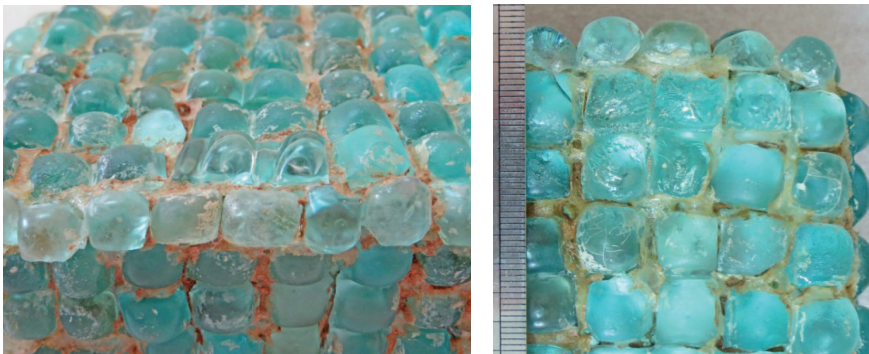
با این وجود، تفاوت‌هایی در شکل و اندازه برآمدگی‌ها و درزها، و در ظاهر شیشه، به خصوص سطح و رنگ آن وجود دارد (تصاویر ۱۱، ۱۳ و ۱۴). بر اساس مشاهده بصری و اندازه‌گیری‌ها، حدود ۹ گونه، قابل تشخیص است (برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به: Ritter 2019, fig. 13-14, plate 1). بیشتر تمایزات واضح این گونه‌ها ممکن است حاکی از استفاده از قطعه‌هایی مربوط به گروه‌های مختلف تولید کاشی شیشه‌ای کف باشد. در هر صورت، آنها نشان می‌دهند که حداقل از ۹ کاشی متفاوت یا کاشی‌های متنوعی از ۹ گونه‌اند. تکه‌ها به اندازه کافی به یکدیگر شبیه هستند که نشان دهند از یک منشاء و دوره، شاید از مکان‌های مختلف یک محل آمده‌اند.



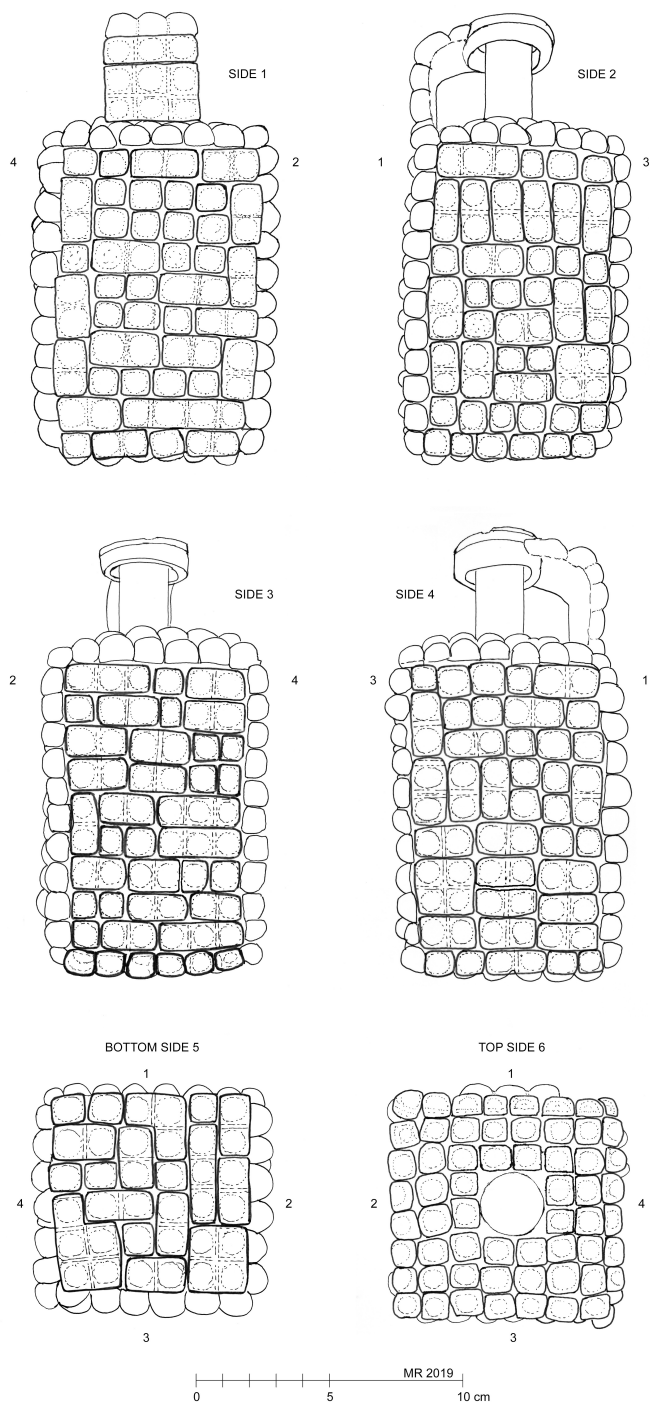
تصاویر ۹ و ۱۰: تنگ تهران، بخش پایینی و جبهه سه، به بی‌نظمی در شبکه برآمدگی‌ها، چسب در بندها و تفاوت در تکه‌های شیشه توجه کنید (Ritter 2019).



تصاویر ۱۱ و ۱۲: تنگ تهران، بخش بالایی، گردن، دهانه و دسته (Ritter 2019).



تصاویر ۱۳ و ۱۴: تنگ تهران، گونه‌های متنوع از قطعات کاشی شیشه‌ای در جبهه دو و چهار (Ritter 2019).



تصویر ۱۵: ترسیم‌های تحلیلی جبهه‌های یک تا شش، سطح پایینی و بالایی که قطعات کاشی شیشه‌ای چسبیده‌شده به هم را نشان می‌دهند (Ritter 2019).

تفاوت‌ها به تأیید مصالح شیشه با تحلیل علمی نیاز دارد. در مجموع، تنگ از ۲۶۸ قطعه کاشی شیشه‌ای در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف تشکیل شده است. ترسیم‌های تصویر (۱۵)، قطعه‌های مختلف تنگ را نشان می‌دهد و تصویر بازچیده شده (۱۶)، قطعه‌های سطح زیرین را به صورت مجزا نشان می‌دهد (برای فهرست تمامی تکه‌ها رجوع کنید به: Ritter 2019, table 1). این طور به نظر می‌رسد که ساخت تنگ، از چهار جبهه مستطیلی و کف مربعی آغاز شده باشد. از آنجا که جبهه‌ها با سر هم کردن و چسباندن قطعات کاشی شیشه‌ای در اندازه‌های مختلف به هم، شکل گرفته و بر روی سطحی صاف قرار گرفته‌اند؛ به نظر می‌آید هر جبهه، جداگانه ساخته شده است. این جبهه‌های مستطیلی، شش برآمدگی پهنا و ده برآمدگی ارتفاع دارند (تصاویر ۱۱ و ۱۵) و ابعاد کف، شش در شش برآمدگی است (تصاویر ۱۰ و ۱۵). آنها، بیشتر از تکه‌هایی با یک یا دو برآمدگی تشکیل شده‌اند، اما تکه‌های بزرگتر نیز گه‌گاه استفاده شده‌اند. به نظر می‌رسد الگوی معمول با قرارگیری تکه‌های بزرگتر با دو برآمدگی به صورت عمودی و در لبه‌ها آغاز شده و سپس با پر کردن میانه با تکه‌هایی با یک برآمدگی ادامه پیدا کرده باشد. سپس چهار جبهه مستطیلی اطراف قاب و کف، سر هم شده و به یکدیگر چسبانده شده‌اند. این کار با اضافه کردن یک ردیف تکه‌های شیشه‌ای در امتداد سه لبه بلند گوشه انجام شده است. در امتداد لبه چهارم، جبهه‌ها به سادگی بدون چنین ردیفی متصل شده‌اند. وجه بالایی، اندکی محدب است و بدنه را با هشت در هشت برآمدگی تکمیل می‌کند. چهار برآمدگی در مرکز حذف شده‌اند تا قطعه گردن جاگذاری و ثابت شود (تصاویر ۹ و ۱۵). بزرگترین تکه مستطیلی شکل با شش برآمدگی در دو ردیف سه‌تایی، در قسمت عمودی دسته زاویه‌دار استفاده شده است. لبه گوشه، که دو قسمت دسته را متصل می‌کند، ردیفی از سه برآمدگی است که متفاوت به نظر می‌رسد و آشکار است که تماماً از ماده‌ای غیر از شیشه مثلاً چسب یا رزین ساخته شده است (تصاویر ۱۱ و ۱۵).

قسمت گردن (تصویر ۹) با تکه‌های برآمده، که قطعات کاشی شیشه‌ای‌اند، از نظر گونه و رنگ شیشه متفاوت است؛ بدین ترتیب که حباب‌های بیشتری دارد، سطحش کمتر براق است و رنگ آبی‌اش کمرنگ‌تر است. این تکه به جبهه بالایی تنگ چسبانده شده است. لبه دهانه به دقت به شکل مقطع زاویه‌دار سختی به بیرون، به پایین، و به بالا برگردانده شده و باعث شده نمای لبه نازک بیرونی کمی بالاتر از بخش داخلی لبه باشد.

۸. دگردیسی‌ها: تاریخ و ارزش تنگ به مثابه یک شیء سرهم‌شده

همان‌طور که به زیبایی در نمایشگاه «جعلی؟ هنر فریب»، به نمایش درآمد در ۱۳۶۸ ه.ش. ۱۹۹۰ م. در بریتیش میوزیوم لندن، نشان داده شد، بسیاری از موزه‌ها و مجموعه‌های مشهور، اشیایی را به دست آورده و پذیرفته‌اند که مطالعات بعدی نشان داده بدلی یا تقلبی بوده‌اند. چنانکه مارک جونز^{۱۱} در کاتالوگ ضمیمه این نمایشگاه آورده است: بدلی‌ها و تقلبی‌ها موفق‌اند چرا که توقعات را برآورده می‌کنند و به نیاز بازار پاسخ می‌دهند. بدلی‌ها و تقلبی‌ها، همان‌طور که سازندگان‌شان به مفاهیم و الگوها ارجاع می‌دهند؛ حس و دانش تاریخی حاضر در زمان حال را بازتاب می‌دهند (Jones 1990, 11–13). در هنر اسلامی و ایرانی، اشیاء بدلی و تقلبی، پدیده‌ای مرسوم در سیاق‌های مختلف است. بدلی‌ها به‌خصوص به‌طور گسترده‌ای در اشیاء سرامیکی وجود دارند (Watson 2004a). اکنون کارشناسان مرمت بعضی موارد را به خوبی مستند کرده و مورد بحث قرار داده‌اند (Norman 2004). موارد تقلبی شامل پارچه‌های ابریشمی «آل بویه» موجود در چندین موزه آمریکای شمالی (Blair, Bloom and Wardwell 1992) و محراب موزاییک لعاب‌دار «اوایل صفویه» است که موزه هنر اسلامی برلین از مجموعه کورکیان^{۱۲} تهیه کرد؛ اما تحلیل حرارتی-تابشی نشان داد که مربوط به دهه‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۰ ه.ش. ۱۹۳۰-۱۹۴۰ م. است (Overton 2012: 81–82).

تفاوت میان بدلی و تقلبی، این‌گونه تعریف شده است: بدلی، «اثر بی‌غرض [...] اصیلی است که از بعضی لحاظ بهتر شده است»؛ در حالیکه، «تقلبی ساختن کاملاً عمدانه یک اثر از ابتداست که صرفاً برای فریب‌دادن طراحی شده است» (Watson 2004b, 68). تنگ تهران بیشتر تقلبی است تا بدلی؛ هرچند از قطعات اصیل ساخته شده، این قطعات مربوط به سیاق‌ها و دوره‌های مختلف است و تنگ، ساخته شده تا چیزی باشد که هرگز نبوده است. ممکن است گفته شود که

اثری التقاطی است، اما برخلاف «پاستیچو»^{۱۲} در موسیقی، که ایجاد ترکیبی نو از کارهای گوناگون موجود است، این تنگ، غرض بیشتری دارد. تنگ، شیء سرهم‌شده‌ای است تا به‌عنوان یک اثر کهن، مخاطب را فریب دهد و آگاهانه یا ناآگاهانه، تزئین معماری را به ظرف و بنا بر این سیاقی را به سیاق دیگر تبدیل کند.

شکل تنگ با بدنه‌ای منشوری، مقطع مربع، دسته پهن زاویه‌دار، و گردن استوانه‌ای با دهانه‌ای گرد و لبه‌ای بیرون‌زده، به روشنی از گونه‌ای استاندارد از بطری رومی الگو برداری شده است که به‌خوبی شناخته شده و به‌طور گسترده‌ای منتشر شده بود (Isings 1957, 66–67 form 50; همچنین رجوع کنید به: Liepmann 1982, nos. 22, 23). استفاده از یک تکه اصیل رومی برای گردن، تنگ را باورپذیر و اعتمادپذیر کرده است. تزئینات برجسته که از طریق برآمدگی‌ها و قلمبگی‌ها یا توده‌های برجسته گوناگون ساخته شده، گونه‌های مختلف شیشه رومی را مشخص می‌کند. نزدیک‌ترین همانند تزئینات برآمده روی تنگ را می‌توان در بطری‌هایی به اصطلاح انگوری شکل مشاهده کرد، با نقش برجسته‌ای از برآمدگی‌های نیمه‌کروی که به صورت انبوهی کل سطح را می‌پوشاند (Saldern 2004, 262–265 pls. 22, 225; Liepmann 1982, no. 18; Harden 1988, 170 no. 91; Stern 2001, 175 no. 70). این در حالی است که تزئینات الحاقی به صورت برآمدگی‌های کروی، کمیاب به نظر می‌رسد (علی‌اکبرزاده کرد مهینی ۱۳۷۲، ۵۴).

فرد تقلب‌کار، احتمالاً می‌دانسته که در حال استفاده از کاشی‌های شیشه‌ای عباسی است. همچنین این احتمال وجود دارد که باور داشته در حال کار با قطعه‌هایی از ظروف اصیل رومی با نوعی تزئین برآمده، شاید نوعی کمیاب است که ارزش تنگ را بالا برده است. پیش از تملک اثر در ۱۳۵۷ ه.ش. / ۱۹۷۸ م. و حتی امروزه، دانش ما درباره چنین کاشی‌های شیشه‌ای بسیار محدود بود. هیچ کتاب معیاری در زمینه شیشه حتی اشاره‌ای به کاشی‌های شیشه‌ای نکرده بود. حتی همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در همین اواخر در سال ۱۳۷۲ ه.ش. / ۱۹۹۳ م.، یک قطعه کاشی شیشه‌ای بسیار شبیه به یافته‌های رقه (تصویر ۳) در کاتالوگ شیشه‌های کهن در حراجی فرانسوی، به‌عنوان «رومی» آگهی شد.

به نظر می‌رسد مصالح استفاده شده در تنگ، از سوریه یافت شده و بدل، احتمالاً در دمشق و حلب، شهرهای سوداگران عتیقه، ساخته شده است. قطعات کاشی شیشه‌ای، علی‌رغم گوناگونی، به تکه‌های کاوش شده در سوریه (تصاویر ۱–۳) شبیه‌ترند تا به آنها که مربوط به عراق است (تصاویر ۴ و ۵). به‌علاوه، تکه رومی گردن، احتمالاً از محلی در شام غربی آمده است تا میان‌رودان یا شرق دور.

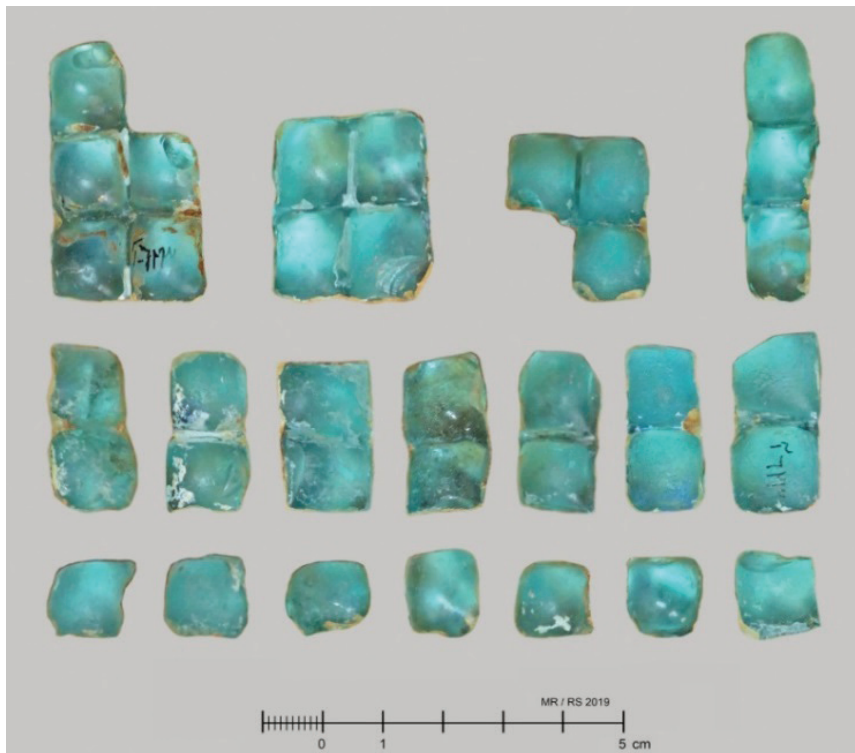
تاریخ گردآوری قطعه‌ها و ساختن تنگ و چگونگی سفرش در حراجی اشیای هنری پیش از تملک موزه، نامعلوم است. اگر تکه‌های برآمده از رقه آمده باشند، این احتمال وجود دارد که در زمان پایان کاوش‌های مقدماتی در سال ۱۳۴۹ ه.ش. / ۱۹۷۰ م. جمع‌آوری شده باشند. ممکن است پروژه موزه جدید تهران حدود سال ۱۳۵۵ ه.ش. / ۱۹۷۶ م.، در واقع جرقه ایده ساختن تنگ را زده باشد. همچنین غیرممکن نیست که ساخت تنگ مربوط به پیش از آغاز قرن بیستم باشد. حکم قطعی‌تر درباره منشأ و تاریخ آن ممکن است با تحلیل‌های علمی از چسب استفاده‌شده در تنگ و خود شیشه به دست آید.

چگونه تنگ به اثری از هنر ایرانی نسبت داده شد؟ به نظر می‌رسد این روند، تحت تأثیر توقعات و به نمایش گذاشتن نمایشگاه‌های عمدتاً مختص به هنرها در ایران اتفاق افتاده باشد. زمانی که موزه جدید آبگینه و سفالینه‌های ایران تأسیس شد، تنگی رومی با تزئیناتی منحصر به فرد، اثری واجد ارزش مالکیت و نمایش در موقعیتی ممتاز به نظر آمد. عبارت روی کارت اموال، «همزمان با دوره اشکانی»، اثر را به سمت شرق سوریه و فراتر سوق می‌دهد. باور به منشأ ایرانی اثر، به روشنی در کاتالوگ ورودی نمایشگاه بین‌المللی بیان شد که تنگ را به‌عنوان اثری از «۷۰۰۰ سال هنر ایران» معرفی کرد.

دگردیسی‌های فیزیکی قطعه‌های عباسی، رومی، و احتمالاً سوری به یک تنگ و از سیاقی به سیاق دیگر، و دگردیسی‌های شناختی یک اثر که ساخته شده تا رومی به‌نظر آید، بعدها به‌عنوان اثری پارتی-ساسانی پنداشته شد و در موزه‌ای از هنر ایرانی و در نمایشگاهی از ۷۰۰۰ سال هنر ایران به نمایش درآمد؛ روی برخی مسائل بنیادین درباره

چرایی تقدیر و جمع‌آوری آثار دست می‌گذارد. در رمان مسخ، اثر فرانتس کافکا^{۱۳}، قهرمان داستان که به صورت حشره زشتی درمی‌آید، در اتاقی گرفتار و از چشم مردم پنهان می‌شود. تنگ تهران به جای پنهان شدن در انبار، می‌توانست به واسطه استحاله‌های اووید^{۱۴}، که در آن، دگرذیسی نه تنها منع شده بلکه تقدیر می‌شود، در موزه، نمایش داده شود. به‌طور کلی، پیشینه تازه کشف‌شده تنگ و روایت دگرذیسی‌هایش، به همراه مستندسازی و گزارش، ارزش بسیاری برای روایت در موزه را داراست. یک نمایشگاه آتی می‌تواند بخشی از تنگ ساخته‌شده جدید با گردن رومی و همچنین بعضی قطعه‌های کاشی شیشه‌ای عباسی‌اش را نمایش دهد. این کار با برداشتن ضلع چهارم و زیرین، قابل انجام است (تصاویر ۱۶ و ۱۷) که هر دو، تکه‌های بزرگتر قطعه‌های کاشی را شامل می‌شوند. تنگ نیمه‌باز، امکان دیدن داخل و چگونگی سرهم‌بندی‌اش را فراهم می‌کند. همزمان می‌توان بخش‌های برداشته‌شده را به صورت تکه‌هایی جدا از قطعه‌های کاشی شیشه‌ای باز کرد و برخی را به رو و برخی را به پشت، نمایش داد. تنگ همچنین امکانی برای تحلیل‌های باستان‌سنجی بیشتری از گونه‌های بصری مختلف قطعه‌های کاشی شیشه‌ای در مقایسه با قطعه‌های مشابه از مکان‌های دیگر را فراهم می‌آورد که پیش‌تر بدان اشاره شد.

در واپس‌نگری، سرهم‌بندی شدن تنگ و بی‌دقتی در انجام آن، به سادگی قابل‌مشاهده است؛ همچنین اینکه قطعه‌های تشکیل‌دهنده با یکدیگر تفاوت داشته و مربوط به ظروف نیستند. تملک تنگ بیش از چهل سال پیش توسط موزه، اکنون به دلایل متفاوتی، مفید واقع شده است. تنگی که تصور می‌شد اثری منحصر به فرد از هنر باستان است، در واقع شیئی سرهم‌بندی‌شده از بزرگ‌ترین مجموعه کاشی‌های شیشه‌ای عباسی در جهان است که در یک موزه نگهداری می‌شود. اینکه چطور تقلب مدرن، سیاق تزئین معماری را به سیاقی دیگر، یک ظرف، تبدیل کرده و چگونه این شیء که از نمونه‌های رومی الگوبرداری شده به مثابه اثری ایرانی شناخته می‌شود نیز قابل توجه است. این تنگ، نمونه خاصی است که اهمیت پدیده جعلی‌سازی و تقلب‌های مدرن و ارتباط این پدیده با تجلیل از هنر اسلامی و ایرانی و نیاز به این هنر را برجسته می‌کند.



تصویر ۱۶: قطعات کاشی شیشه‌ای در سطح زیرین تنگ که به صورت مجزا نشان داده شده‌اند، وجه بیرونی که به صورت برآمده است در واقع سطح زیرین کاشی‌ها بوده است.

(تصویر و طرح اولیه از Ritter، بازچینش از Steyer، 2019).



تصویر ۱۷: تنگ با نگاه به درون آن با برداشتن وجه چهارم و زیرین، بازنمایی دیجیتال (A. Plankensteiner 2019).

سپاسگزاری

از ینس کروگر به خاطر اینکه توجه مرا به کاتالوگی جلب کرد که در آن به این تنگ پرداخته شده بود، سپاسگزارم (Seipel and Alram 2000). در آن زمان، تابستان ۱۳۹۷، به تازگی مطالعه زیرسازی‌های شیشه‌ای رقه را تمام کرده و به شکل گذرا به این کاتالوگ توجه کرده بودم. زمانی که این شانس را پیدا کردم که تنگ را در سال ۱۳۹۷ در تهران بررسی کنم، احتمال اینکه چیزی کاملاً متفاوت از انتساب کاتالوگ باشد کاملاً تأیید شد. من درباره این تنگ در سخنرانی‌های ۱۲ بهمن و ۶ اسفند ۱۳۹۷، در دانشگاه کمبریج انگلستان، مدرسه پمبروک و دانشگاه شهید بهشتی تهران بحث کرده‌ام و این موضوع پژوهشی، در نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه تربیت مدرس، آذر ماه ۹۸ ارائه گردیده است. همچنین به ترتیب از همکاری‌هایی که بررسی تنگ تهران را تسهیل کردند، تشکر می‌کنم: شهربانو جهان‌آرایی، مدیر و زهره محمدیان موزه‌دار در موزه آگینه و سفالینه‌های ایران، جبرئیل نوکنده مدیر موزه ملی ایران و محمدرضا کارگر، مدیر اداره کل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی سازمان میراث فرهنگی کشور. به خاطر اطلاعات و اظهارنظرهای اندریا بکر، سارا تیتیر، ورینا دایبر، منیة شخاب اُبودیة، اِوا شویرت، روزالیند هدون، رناتا هلد، اینگبورگ کروگر، یولیا گونلا و صفا محمودیان سپاسگزارم.

پی‌نوشت‌ها

۱. با توجه به موضوع متمایز مقاله حاضر و سیاست نشریه هنرهای صناعی ایران در تنوع موضوعی مقالات ارائه شده، این مقاله در شماره جاری منتشر می‌گردد.
۲. منظور از قطعه کاشی در این مقاله، قطعه‌ای شکسته از یک کاشی کامل است.

3. Museum with No Frontiers

4. Ernst Herzfeld

5. Carl Johan Lamm

۶. قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبْتَهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

7. Hans Hollein

8. Maria Maddalena Negro Ponzi

9. Axel von Saldern

10. Mark Jones

11. Kevorkian

12. Pasticcio

13. Franz Kafka

14. Ovid

منابع

- بی‌نا. ۱۳۹۷. موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران. کتابچه چاپ‌شده. ۶ صفحه. بدون شماره‌گذاری. بدون تاریخ. با ذکر معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی. www.ichto.ir.
- حاجی‌قاسمی، کامبیز. ۱۳۸۳. گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، جلد شانزدهم، خانه‌ها. دفتر دوم، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد و تحقیقات. تهران: روزنه.
- عبدالحق، سلیم عادل [صلیبی، نسیب]. ۱۹۵۱. "حفریات مدیریت الاثار العام فی مدینة الرقه القديمه، | Les Fouilles de la Direction Générale des Antiquités à Rakka." *Annales Archéologiques Syriennes* 1/1, 111-121 (French), 156-162 (Arabic).
- علی‌اکبرزاده کرد مهین، هلن. ۱۳۷۲. شیشه: مجموعه موزه بازرگان، تهران: موزه ملی ایران، چاپ مجدد ویرایش ۱۳۶۷.
- Abdul-Hak, S. 1958. "Contribution à l'étude de la verre musulmane du VIIIe au XVe siècle." *Annales du 1er Congrès International d'Étude Historique du Verre: Bulletin des Journées Internationales du Verre*; Liège, 20-24 août 1959 (Liège): 79-95.
- Anon. 1980. Glass museum, Tehran, Iran. *The Architectural Review* 1006/Dec: 374-377.
- Anon. 2016-2017. *Glassware and Ceramics Museum of Iran*. Leporello brochure. 6 pages without pagination. Undated. with the logo. used since 2006. of the "Sāzmān-e mirās-e farhangi, šanāye'-e dasti va gardeshgiri," and the addition "province of Tehran."
- Baker, Patricia. 2004. "Glass in Early Islamic Society: Toward a Greater Understanding." *Orient* 39: 3-17.
- Baker, Patricia. 2005. "Glass in Early Islamic Palaces: The New Age of Solomon." *Annales du 16e Congrès de l'Association Internationale pour l'histoire du verre, London 2003*, Nottingham: 167-170.
- Becker, Andrea. 2010. "Vom Finden des Glases: Ein Feldbericht." In *Vorsicht Glas! Zerbrechliche Kunst 700-2010*, M. Kühn (ed.) *Ausstellungskatalog Museum für Islamische Kunst Berlin 10. September 2010 - 9. Januar 2011*. Berlin: Museum für Islamische Kunst: 36-41.

صناعات
همراه ایرا

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷

۱۰۸

- Becker, Andrea. 2014. "Das Glas von Samarra unter Berücksichtigung neuerer Glasfunde aus Syrien." In *Beiträge zur Islamischen Kunst und Archäologie*, J. Gonnella et al. Vol. 4, 143–155. Wiesbaden, Reichert.
- Blair, Sheila S., Jonathan M. Bloom, Anne E. Wardwell. 1992. "Reevaluating the Date of the 'Buyid' silks." *Ars Orientalis* 22: 1–41.
- Carboni, Stefano. 2003. "The Use of Glass as Architectural Decoration in the Islamic World." *Annales du 15e Congrès de l'Association Internationale pour l'histoire du verre. New York, Corning 2001*, Nottingham: 127-132.
- Cat. Damascus. 1952. *Exposition de découvertes archéologiques 1952*. Damascus: Musée national de Damas.
- Cat. Damascus. 1964. *Exposition des verres syriens*. Damascus: Musée national de Damas.
- Cat. Paris. 1993. Paris, Hôtel Drouot, Archéologie [...] Collection du château de L. [...]. Paris: Drouot.
- Creswell, Keppel Archibald Cameron, James W. Allan. 1989. *A Short Account of Early Muslim Architecture*. Aldershot: Scholar Press.
- Diba, Layla. Forthcoming. "The Negārestān Museum of 18th and 19th Century Iranian Art (1975–78)." In *Encyclopaedia Iranica*.
- Dreßen, Wolfgang, Georg Minkenber, Adam C. Oellers. 2003. *Ex Oriente: Isaak und der weiße Elefant; Bagdad - Jerusalem - Aachen: Eine Reise durch drei Kulturen um 800 und heute*. Mayence: Philipp von Zabern.
- Gonzalez, Valerie. 2001. *Beauty and Islam: Aesthetics in Islamic Art and Architecture*. London: I. B. Tauris.
- Grabar, Oleg. 1978. *The Alhambra*. London: Allen Lane.
- Harden, Donald B. 1988. *Glas der Caesaren: Römisch-Germanisches Museum der Stadt Köln; The British Museum, London; The Corning Museum of Glass*. Milan: Olivetti.
- Hollein, Hans. 1980. "Case Study: Tehran Museum of Glass and Ceramics." In *Places of Public Gathering in Islam*. L. Safran (ed.), 93–99. Philadelphia: Aga Khan Award for Architecture.
- Isings, Clasina. 1957. *Roman Glass From Dated Finds*. Groningen: J. B. Wolters.
- Jones, Mark (ed.). 1990. *Fake? The Art of Deception*. Berkeley: University of California Press.
- Kohlmeyer, Kai, Eva Strommenger (eds). 1982. *Land des Baal: Syrien Forum der Völker und Kulturen, Ausstellungskatalog, Museum für Vor- und Frühgeschichte Berlin*. Mayence: Philipp von Zabern.
- Lamm, C[arl] J[ohan]. 1928. *Das Glas von Samarra*. Berlin: Dietrich Reimer.
- Leisten, Thomas. 1998. *Architektur für Tote: Bestattung in architektonischem Kontext in den Kernländern der islamischen Welt zwischen 3./9. und 6./12. Jahrhundert*. Berlin: Dietrich Reimer.
- Liepmann, Ursula. 1982. *Glas der Antike*. Hanover: The museum.
- Meinecke, Michael. 1996. "Ar-Raqqā am Euphrat: Imperiale und religiöse Strukturen der islamischen Stadt." *Mitteilungen der Deutschen Orient-Gesellschaft* 128:165–171.
- Negro Ponzi, Maria [Maddalena]. 2005. "Mesopotamian Glassware of the Parthian and Sasanian Period: Some Notes." *Annales du 16e Congrès de l'Association Internationale pour l'histoire du Verre, London 2003*, Nottingham: 141-145.
- Norman, Kirsty. 2004. "Restoration and Faking of Islamic Ceramics: Case Histories." In *Ceramics from Islamic Lands*, 69–89.

- Overton, Keelan. 2012. *From Pahlavi Isfahan to Pacific Shangri La: Reviving, Restoring, and Reinventing Safavid Aesthetics, ca. 1920–40*, *West 86th* 19/1:61–87.
- Ritter, Markus. 2018. “Die Glasböden und ihre frühislamische Ikonographie.” In *Baudekor und Ausstattung der abbasidischen Bauten in ar-Raqqā/ar-Rāfiqā*, Claudia Bührig, Stefan Heidemann (eds.). Raqqā; 5, Berlin: De Gruyter, In press.
- Ritter, Markus. 2019. “A Glass Room in Abbasid Palaces, Reference to Solomon, and a ‘Unique’ Bottle in Tehran.” *Zeitschrift für Orient-Archäologie* 12/2019 (2020): 226–255.
- Saba, Matthew. 2014. *Impermanent Monument, Lasting Impression: The Abbasid Dar al-Khilafa Palace of Samarra*, PhD thesis, University of Chicago.
- Salam-Liebich, Hayat. 1978. “Glass: Types and distribution of glass finds.” In *City in the Desert: Qasr al-Hayr East*. Oleg Grabar, Renata Holod, James Knustad, Walter Trousedale, 138–147. Cambridge/MA: Harvard University Press.
- Saldern, Axel von. 2004. *Antikes Glas*. Munich: Beck.
- Saliby, Nassib. 1954. “حفریات الرقه: تقریر اولی عن الموسم الثانی، خریف ١٩٥٢.” *Annales Archéologiques Syriennes* 4–5, 69–76 (عربی), 205–212 (French).
- Saliby, Nassib. 2004. “Les fouilles du Palais B 1950–1952.” In *Raqqā III: Baudenkmäler und Paläste*, Daiber, Verena – Becker, Andrea (eds.), 77–104. Mayence, Philipp von Zabern.
- Seipel, Wilfred (ed.), Michael Alram (red.). 2000. *7000 Jahre persische Kunst: Meisterwerke aus dem Iranischen Nationalmuseum in Teheran; eine Ausstellung des Kunsthistorischen Museums Wien und des Iranischen Nationalmuseums in Teheran*; Kunsthistorisches Museum, 22. November 2000 bis 25. März 2001, Vienna: the museum; Milano: Skira.
- Shams, H. 2017. *Glassware and Ceramic Museum*. October 2017 <<https://www.irangazette.com/en/about-iran/iran-cities/tehran/2-uncategorised/129-glassware-and-ceramics-museum.html>> (last retrieved 7.5.2019).
- Siegel, Ulrike. 2017. *Die Residenz des Kalifen Hārūn ar-Rašīd in ar-Raqqā/ar-Rāfiqā (Syrien)*. Raqqā; 4. Berlin: De Gruyter.
- Stern, E. Marianne. 2001. *Römisches, byzantinisches und frühmittelalterliches Glas: 10 v. Chr.–700 n. Chr.*; Sammlung Ernesto Wolf. Ostfildern: Hatje Cantz Verlag.
- ‘Ush, Muhammad Abu-l-Faraj al-, Adnan Joundi, Bachir Zouhdi. 1969. *Catalogue du Musée National de Damas, publié à l’occasion de son cinquantenaire (1919–1969)*. Damascus: the museum (Reprint 1976).
- _____. 1980. *A concise guide to the National Museum of Damascus*. Damascus: the museum.
- Watson, Oliver. 2004a. Fakes and Forgeries in Islamic Pottery, *Oriente Moderno*, n.s. 23/2: 517–539.
- Watson, Oliver. 2004b. *Ceramics from Islamic Lands*. New York: Thames and Hudson, in association with the al-Sabah Collection, Dar al-Athar al-Islamiyyah, Kuwait National Museum.
- Whitehouse, David. 2014. *Islamic Glass in the Corning Museum of Glass*, vol. 2. Corning: the museum.